

« بسم الله الرحمن الرحيم »

آذربایجان در تاریخ تمدن ایران نقش بسیار ممتازی دارد و اگر بگوئیم که آذربایجانی‌ها در اکثر عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ، هنر و ادبیات در طول تاریخ ایران پرچمدار بوده‌اند سخنی بگزارف نگفته‌ایم. یک بررسی تطبیقی می‌تواند مؤید این ادعا باشد. قصد دارم در این مجال مختصر در هر یک از عرصه‌های فوق چند نمونه به عنوان مصداق ذکر نمایم.

مطالبی که ارائه خواهم نمود در دو فصل است:

اول: توصیف آذربایجان به ویژه تبریز از زبان جهانگردان

دوم: بیان نمونه‌هایی از نقش آذربایجان در توسعه شاخص‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران به شرح عناوین زیر:

أ- عرصه ادبیات

ب- حکمت و فلسفه

ج- مظاهر تجدد

د- میراث فرهنگی

ه- هنر

و- آموزش عالی

ز- آفرینش حماسه و پاسداری از هویت ملی و تمامیت ارضی ایران

برای اینکه رسم امانت حفظ شود یاد آور می‌شوم که در تهیه مطالب علاوه بر اطلاعات خودم از کتاب فاخر اولین‌ها تالیف صمد سرداری نیا و سایت‌های مختلف به ویژه تبریز پدیا استفاده کرده‌ام.

أ) توصیف تبریز از نوشته‌های جهانگردان

خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۱. مارکوپولو سیاح اهل ونیز در سال ۱۲۷۰ میلادی از شهر تبریز که نخستین شهر بزرگ منطقه

است دیدن کرده، شهر تبریز را به نام کهن و رایج آن روز «توریز» خوانده است. او یادآور

شده که شهر موقعیتی عالی دارد و کالاهای تجارتي بسیاری از «هندوستان، بغداد، موصل،

هرمز» و دیگر نواحی به آنجا وارد می‌شود.

۲. کلاویخو سفیر اسپانیایی که از طرف پادشاه اسپانیا هانری سوم در سال ۱۴۰۳ م. ۸۰۶/ ه برای ملاقات با تیمور که آوازه‌ی فتوحات وی اروپا را پر کرده بود به ایران آمده تا به سمرقند و به دیدار تیمور رود. او مشاهدات خودش را در سفرنامه‌ای شرح داده و از شهرها و مناطق ایران از جمله تبریز، گذشته و تبریز را چنین توصیف کرده است.

« از تپه‌های سمت راست رودخانه‌ای به شهر [تبریز] سرازیر می‌شود و به شکل جوی‌های متعدد در خیابان نمایان می‌گردد. در خیابان‌ها عمارات مهمی است و جلوی عمارت افسران کشیک می‌دهند. در تبریز دکان‌های بسیاری است که در آن دکان‌ها پارچه‌های ابریشمی و پشمی می‌فروشند و شهر تجارت مهمی دارد. در عمارت مهم موزائیک‌ها و کاشی‌های آبی طلاکاری ساخت یونان دیده می‌شود و می‌گویند مردم ثروتمند شهر از روی رقابت با یکدیگر این عمارت قشنگ را ساخته‌اند و هر کدام برای ساختن عمارت بهتری مبالغ بهتری صرف نموده‌اند. در میان عمارات، خانه بزرگی است که با دیوارهای بلند محصور می‌باشد. می‌گویند این خانه‌ی عالی را سلطان اویس ازباجی که از پادشاه بابل گرفته بنا کرده است. شهر تبریز که معبر کاروان‌های تجاری بسیاری است بسیار ثروتمند می‌باشد می‌گویند سابقاً بیشتر جمعیت داشت. مسجد و گرمابه‌های عالی تبریز در هیچ جای دنیا نظیر ندارد»

۳. ژان شاردن در زمان شاه عباس به ایران سفر کرد و در این سفر مدتی در تبریز اقامت نمود. شاردن در سفرنامه خود پیرامون تبریز نوشته است: «تبریز چه از حیث عظمت و جمعیت و چه از لحاظ مکنت و تجارت اولین شهر این مملکت است. بازارهایش از سایر بلاد آبادتر و سقف‌های آن بلندتر است. آمد و شد مردم در این بازارها و کثرت مال‌التجاره دلیل بر کمال آبادی شهر است. بهترین بازار که به شکل هشتی بنا شده و محل جواهریان است قیصریه نام دارد. سیصد کاروانسرای دایر در این شهر هست و کوچکترین آنها گنجایش سیصد نفر مسافر را دارد. سرتاسر شهر پر از صنایع ابریشم و قماش زرگری است و عالی‌ترین دستاوردهای ایران در تبریز تهیه می‌شود.»

۴. ادوارد براون انگلیسی در سال ۱۲۶۶ هجری شمسی به تبریز آمده وی درباره تبریز نوشته است: «اول ماه نوامبر بود، مدت ۱۰ ساعت متوالی راه‌پیمایی کردیم تا به تبریز حاکم‌نشین آذربایجان و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران و شاید بزرگ‌تر از همه و مقر ولیعهد رسیدیم. متأسفانه مسجد کبود رو به ویرانی است، لیکن کتیبه‌ها و کاشی‌کاری آن زیبایی خود را حفظ کرده است و اما ارک - که می‌گویند بدو مسجد بوده - عبارت از محوطه چهارگوشی است که از چهار طرف دیوار و فقط یک مدخل دارد و به نظر می‌رسد که به وسیله پله‌کان می‌توان به آن صعود کرد.

۵. مینورسکی خاورشناس و ایران‌شناس روس و استاد دانشگاه لندن از ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸ در ایران و در شهر تبریز خدمت کرد. به گفته وی قدیمی‌ترین آثار تبریز مربوط به آغاز قرن چهاردهم میلادی یعنی دوره مغول می‌باشد که تا کنون درباره آنها مطالعه منظم و دقیقی به عمل نیامده است.

۶. اولیا چلبی کاشف و جهانگرد معروف اهل عثمانی متولد ۱۰۲۰ هجری شمسی در زمان صفویه به تبریز رسیده و در سفرنامه خود نوشته است: «نام تبریز در زبان مغولی تیوریس و در زبان دری تیوریز و دهقانان تابریز و در زبان فارسی تبریز می‌گویند یعنی تب را می‌ریزد. حقیقتاً یک نفر مریض تب‌دار اگر به این شهر وارد شود و از آب گوارا و هوای لطیف این شهر استشمام کند از طب خلاص می‌شود. در زمان المتوکل زلزله عظیمی واقع شد و شهر به کلی خراب و منهدم گردید و قریب چهل هزار نفر جان سپردند»

۷. ژان باتیست تاورنیه جهانگرد و بازرگان معروف فرانسوی است که در عصر صفوی بارها به ایران و مشرق زمین سفر کرده است. سفرنامه او در شرح وقایع دوره صفویه و وقایع دربار صفوی دارای اهمیت بسیار است. تاورنیه در سفرنامه خود نوشته است: «اهمیت تبریز از لحاظ موقعیت اقتصادی است که بین کشور عثمانی و مسکوی (روسیه) و هندوستان واقع شده و همه نوع امتعه بخصوص ابریشم گیلان به آنجا حمل می‌شود. در این شهر گروه کثیری از بازرگانان

زندگی می‌کنند و داد و ستد فراوان تبریز را در تمام آسیا مطرح کرده است و بازارهایش همیشه پر از اجناس فاخر است.»

۸. آدام اولئاریوس (پژوهشگر، ریاضیدان، جغرافیدان و کتاب‌دار آلمانی در سفرنامه خود پیرامون تبریز نوشته است: هوای این شهر آنقدر خوب است که به زحمت شنیده می‌شود که کسی صحبت از بیماری و ناخوشی کند. تبریز اقامتگاه دائمی پادشاهان ایرانی در پای کوهی است که امروزه تورس نامیده می‌شود و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران باستان که شاهان پارسی آن را بنا کرده‌اند.

۹. هانس شیلت برگر اهل مونیخ در سفرش به تبریز در سال ۷۸۳ هجری شمسی درباره تبریز نوشته است: «پایتخت ایران تبریز است و پادشاهی که در این شهر سلطنت می‌کند از این شهر مالیات و خراجی به دست می‌آورد که از درآمد کلیه سلاطین و فرمانروایان غرب بیشتر است چون تجار بسیاری از کشورهای مختلف جهان در تبریز به سر می‌برند و کالاهای فراوانی را وارد و خارج می‌کنند»

۱۰. ابن بطوطه سیاح مراکشی پس از سفر به تبریز در سال ۷۷۰ هجری قمری در مورد این شهر نوشته است: «از دروازه بغداد به شهر تبریز درآمدیم و به بازار بزرگی که معروف به بازار قازان (غازان) است رسیدیم و آن از بهترین بازارهایی بود که در همه شهرهای دنیا دیده بودم.

۱۱. حمدالله مستوفی متولد به سال ۶۸۰ هجری قمری است و وفات او را در سال ۷۵۰ هجری قمری اتفاق افتاده است و مزارش در محله ملک‌آباد قزوین باقی است. حمدالله مستوفی در سفرنامه خود نوشته است:

«شهر تبریز باغستان بسیار دارد، آب مهرانرود که از کوه سهند می‌آید و نهصد و چند کاریز که ارباب ثروت اخراج کرده‌اند در این باغات صرف می‌شود و هنوز کافی نیست. مردم آنجا سفید چهره و خوش صورت باشند فقیر و غنی از کسب خالی نباشد و در آن دیار متمول بسیار باشد»

۱۲. یاقوت حموی، جغرافیدان و تاریخ‌نویس مشهور قرن هفتم هجری است. وی در سفرنامه خود نوشته است: «تبریز مشهورترین شهر آذربایجان است. شهری آباد و زیبا دارای سوره‌های - دیوار قلعه - محکم و استوار است. گروه فراوانی از دانشمندان از آن شهر برخاستند.»

۱۳. ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه خود نوشته است: «در بیستم صفر سنه ۴۳۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریورماه قدیم بود و آن شهر قصبه بزرگ آذربایجان است. شهری است آبادان طول و عرض را پیمودم. هر یک هزار و چهارصد گام. مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد شب پنجشنبه هفدهم ربیع‌الاول سنه ۴۳۴ بود.

۱۴. پروفیسور دیوید رول، باستان شناس معروف، معتقد است، تبریز در قلب آذربایجان، «بهشت عدن» است

(ب) مصادیقی از عرصه ادبیات

۱. اگرچه خاستگاه شعر فارسی خراسان بزرگ است و رودکی سرخیل شعرای متقدم از سمرقند است ولی با کمترین فاصله زمانی، شعر دری در آذربایجان نیز نضج پیدا می کند بطوریکه کمتر از یک قرن بعد از رودکی، قطران تبریزی قصاید بسیار پخته‌ای می سراید
۲. اگرچه حکیم ابوالقاسم فردوسی پرچمدار شعرای حماسه سرای فارسی زبان از خطه خراسان است و در سرودن اشعار رزمی هیچ کس را یارای برابری با او نیست. پرچمدار سرایندگان اشعار بزمی نیز حکیم نظامی گنجوی است که از آذربایجان برخاسته و با خلق خمسه نظامی (پنج گنج) شاهکاری آفریده است.
۳. اگرچه زادگاه مولوی عارف بزرگ و افتخار مشرق زمین، شهر بلخ است ولی همگان می دانیم که دم مسیحایی و انفاس شمس تبریزی عشق الهی را در او زنده کرد و پس از محشور شدن با او بود که بانگ نایش از عشق آتشین گشت.
۴. اگرچه حکیم سنایی غزنوی عارف بزرگ اهل خراسان است و عطار نیشابوری که هفت شهر عشق را گشته و سیمرغ عشق الهی در منطق الطیرش به اوج عرفان رسیده و بر فنای فی الله دست یافته است او نیز اهل خراسان است ولی باید بیاد آورد که مکتب عرفان و تصوف در آذربایجان چیزی از خراسان کم نداشت. شاهد این مدعا آن است که عارفی بزرگ چون امیرحسین هروی از هرات حل مسایل عرفانی را در قالب هفده سؤال به مکتب شیخ محمود شبستری فرستاده است. او نیز در پاسخ به سوالات آن عارف خراسانی، اثر موجز و بی بدیل خود یعنی گلشن راز را خلق

نموده است که به قول «شاردن» مستشرق فرانسوی تمام حکمت متعالیه در این مثنوی هزار بیتی جمع آمده است.

۵. اگرچه شعرای معروفی چون فرخی سیستانی، انوری ابیوردی و عنصری بلخی از شرق ایرانند و هر سه شاعر، استادی خود را در قصیده سرایی به اوج رسانیده‌اند ولی باید اذعان نمود که سروده‌ها و قصاید خاقانی شروانی صلابت دیگری دارد.

نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا در جهان ملک سخن راندن مسلم شد مرا

مریم بکر معانی را منم روح القدس عالم ذکر معالی را منم، فرمان روا

۶. اگرچه افصح المتکلمین، سعدی و لسان الغیب، حافظ ستارگان ادب فارسی اهل شیرازند و در غزل عاشقانه و قصاید ناصحانه کسی را یارای برابری با سعدی نیست، ولی از آذربایجان نیز غزلسرایی بزرگ چون صائب تبریزی برخاسته که در بیان کنایات، استعارات بدیع و نکته پردازی کسی را جرأت برابری با او نیست. او در غزلیاتش سخن‌های نوی آورده است که نو را حلاوتی است دگر. او شاخص‌ترین شاعر سبک هندی است. همچنین همام تبریزی که سروده هایش همسان غزل‌های سعدی است و مغربی تبریزی که غزلهایش با غزل‌های حافظ همپایی می‌کند.

ز حسن طبع تو صائب که در ترقی باد بلند نام شد از جمله شهرها تبریز

۷. اگرچه در تاریخ ادبیات فارسی کم نیستند زنان شاعره‌ای که قریحه خود را در سرودن اشعار فارسی آزموده‌اند و رابعه بلخی به عنوان اولین زن پارسی گوی فضل تقدم را نصیب خراسان نموده است ولی باید اذعان نمود که هیچ کدام از شاعره‌های پارسی گوی با اختر چرخ ادب، پروین اعتصامی تبریزی قابل مقایسه نیستند

۸. اگرچه در شعرای متأخر، شاعرانی توانا و سخن پردازانی ماهر فراوانند ولی به جرأت می‌توان ادعا نمود که هیچ کدام از آنها به پای شهریار شاعران معاصر، سیدمحمدحسین شهریار نمی‌رسند. تعداد زیادی از غزلیات او با غزلیات خواجه شیراز برابری می‌کند و برای حیدربابایش

نظیره‌ای نمی‌توان یافت. شهریار شایستگی آن را داشت که به حق روز وفاتش به عنوان روز شعر و ادب نام گذاری شود.

۹. وجود گورستانی با عنوان مقبره الشعراء در محله سرخاب تبریز که نظیر آن در هیچیک از شهرهای ایران نیست بیانگر کثرت شعرا، عرفا و ادبا در این شهر است. بیش از ۴۰۰ شاعر، عارف و رجال نامی ایران و کشورهای منطقه از جمله اسدی طوسی، خاقانی شروانی، ذوالفقار شروانی، عزیز خان مگری، شاهپور نیشابوری، شکیبی تبریزی، شمس‌الدین سجاسی، ظهیر فاریابی، قطران تبریزی، لسانی شیرازی، مانی شیرازی، مجیرالدین بیلقانی، مغربی تبریزی، همام تبریزی و سید محمدحسین شهریار، از ۸۰۰ سال پیش یکی پس از دیگری در اینجا به خاک سپرده شده‌اند

ج) در عرصه حکمت و فلسفه

۱. در عرصه حکمت و فلسفه اگرچه ملاهادی سبزواری از خراسان و صدرالمآلهین از شیراز جایگاه ویژه‌ای دارند ولی علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و علامه محمدتقی جعفری از فرزندان آذربایجان جایگاه بس والایی در این زمینه دارند.
۲. اگرچه علمای شیعه‌ای که از نقاط مختلف کشور برخاسته‌اند بسیارند و همگی باعث عزت و افتخار اسلامند ولی باید اذعان نمود که جایگاه علامه امینی ویژه است.

د) در استقرار مظاهر تجدد

۱. همه می‌دانیم که شروع مدارس جدید با تأسیس مدارس رشدیه بود که مؤسس آنها میرزا حسن معروف به رشدیه است که او نیز اهل تبریز بود. این مرد سخت کوش اولین دبستان را در سال ۱۳۰۵ قمری (۱۲۶۷ شمسی) در محله ششگلان تبریز در مسجد مصباح الملک تأسیس نمود. ولی با توجه به مخالفت های شدید مدرسه اش تعطیل گردید. او از تصمیم خود منصرف نشد و باز با حمایت تعدادی از افراد آگاه تبریز مدرسه دایر نمود. بدینترتیب بعد از دارالفنون تهران، تبریز اولین شهری در ایران است که با پایداری رشدیه مدارس به سبک جدید در آن تأسیس گردید.

۲. در موضوع آموزش ناشنوایان و نابینایان نقش مرحوم باغچه‌بان را نیز نباید فراموش کرد که او نیز اهل آذربایجان است ..

۳. اولین چاپخانه در سال ۱۲۲۷ قمری توسط شاهزاده عباس میرزا در تبریز تاسیس شد و ۱۲ سال بعد دومین چاپخانه ایران در تهران تاسیس شد.

۴. نخستین سالن سینمای ایران در سال ۱۲۷۹ (۵ سال پس از اختراع جهانی آن توسط برادران لومیر) با نام «سینما سولی» که توسط کاتولیک‌ها در شهر تبریز تاسیس شده بود، آغاز به کار کرد.

۵. کتابخانه تربیت، نخستین کتابخانه عمومی دولتی ایران است که توسط محمدعلی تربیت در تبریز پایه‌گذاری شد.

۶. اولین پول کاغذی در ایران در زمان سلطنت گیخاتو از پادشاهان ایلخانی حدود ۷۰۰ سال پیش در تبریز تهیه گردید ولی به علت مخالفت بازرگانان بعد از مدت کمی انتشار آن متوقف شد.

۵) عرصه میراث فرهنگی

در بحث میراث فرهنگی گرچه زلزله‌های ادواری بزرگ، بسیاری از موارث فرهنگی را تخریب نموده و یا از بین برده است ولی آنچه که باقی مانده باز قابل اعتناست .

۱. بازار تبریز تا چند سال قبل به عنوان بزرگترین مجموعه سرپوشیده جهان به شمار می‌رفت و بیانگر موقعیت ممتاز بازرگانی شهر تبریز بود .

۲. گرچه کاشیکاری‌های بناهای باقیمانده از دوره صفویه در اصفهان بسیار زیاد است ولی کاشیکاری مسجد کبود تبریز از حیث ظرافت و زیبایی شاهکاری استثنایی است. مسجد مزبور به حق فیروزه جهان اسلام نام گرفته است .

۳. ارک علیشاه در تبریز که دیوار سترگ آن نشانه عظمت بنای اولیه است که در نوع خود بی‌بدیل است .

۴. رصدخانه مراغه که به سفارش خواجه نصیرالدین طوسی و به فرمان هولاکو آغاز شد. هولاکو برای نگهداری این سازمان پژوهشی موقوفه‌های ویژه‌ای در نظر گرفت. کتابخانه‌ای شامل ۴۰۰ هزار جلد

کتاب و ابزارهای اخترشناسی فراهم شدند. در همین جا بود که زیج ایلخانی به سال ۶۷۰ هجری (۱۲۷۶ میلادی) فراهم شد. رصدخانه مراغه فقط مخصوص رصد ستارگان نبود و یک سازمان علمی گسترده بود که بیش تر شاخه‌های دانش درس داده می‌شد و مشهورترین دانشمندان آن عصر -از جمله قطب‌الدین شیرازی، کاشف علت اصلی تشکیل رنگین کمان- در آن جا جمع شده بودند. به علاوه چون در آن زمان ارتباط علمی چین و ایران به علت استیلای مغولان بر هر دو سرزمین برقرار شده بود، دانشمندان چینی -از جمله فردی به نام فائو مون جی- در این مرکز فعالیت داشتند. همچنین فیلسوف و فرهنگ‌نامه‌نویس مسیحی -ابن العبری- در رصدخانه مراغه به درس دادن کتاب‌های اصول اقلیدوس و المجسطی بطلمیوس مشغول بود.

و) در عرصه هنر

۱. نگارگری: در نگارگری تبریز دارای دو مکتب تأثیر گذار به نام مکتب نگارگری اول تبریز در زمان حکومت ایلخانیان و دیگری به نام مکتب نگارگری دوم تبریز در زمان صفویه می باشد. یکی از هنرمندان شاخص مکتب نگارگری دوم تبریز کمال الدین بهزاد است که آرامگاهش در کنار مقبره کمال الدین خجندی است و به قبر دو کمال مشهور است. در بین دو مکتب نگارگری اول و دوم تبریز نیز اگر مکتب نگارگری هرات رونق یافت باز نقش آفرینش تبریزی بود بدینسان پس از آنکه بایسنقر از نبرد پیروزمندانه با ترکمانان در ۸۲۳ هجری بازگشت و مولانا جعفر تبریزی بعدها ملقب به جعفر بایسنقری، استاد مسلم خط نستعلیق و سایر استادان فن را از تبریز به همراه آورد، هرات تبدیل به مرکز هنر خوشنویسی شد. مکتب نگارگری دیگری نیز به نام مکتب تبریز بغداد در زمان حکومت جلایریان فعالیت داشت. کتابهای زیادی در این مکاتب به صورت مصور نوشته شدند که اینک زینت بخش کتابخانه ها و موزه های داخل و خارج کشور می باشد.

۲. هنر خوشنویسی: میرعلی تبریزی در سده هشتم هجری برای اولین بار خط نستعلیق را تحت قاعده و قوانین خوشنویسی درآورد و به حدی رساند که به صورت خطی مستقل و قابل رقابت با خطوط

ششگانه درآید. بعد از او نیز میر احمد تبریزی در تکامل آن کوشید. و سپس میرعماد قزوینی به نهایت کمال رسانید. در عصر حاضر نیز میرزا حسن هریسی مالک الرقاب این هنر ارزنده شد.

۳. قالیبافی: آذربایجان یکی از مهم‌ترین مراکز بافت قالی در ایران است و قالی‌های بافت آن از تنوع و گوناگونی بسیاری برخوردارند. تبریز، در حال حاضر از سوی «شورای جهانی صنایع دستی» به عنوان «شهر جهانی بافت فرش» انتخاب شده است.

۴. معماری: در قرن هفتم هجری ایلخانیان تبریز را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. در زمام زمامداری آنان تبریز فوق العاده توسعه یافت و بناهای زیادی در تبریز ساخته شد معماری این بناها ترکیب معماری ایرانی و مغولی بود البته معماران خوش ذوق تبریزی فقط اقتباس نکردند بلکه تحولی در معماری ایجاد کردند که به نام سبک معماری تبریز قرن‌ها الگوی معماری بناهایی از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین شد. به قول مینورسکی خاورشناس و ایران‌شناس روس تا کنون درباره آنها مطالعه منظم و دقیقی به عمل نیامده است.

ز) در زمینه آموزش عالی

۱. در زمینه آموزش عالی نیز باید گفت تبریز فضیلت تقدم بر سایر شهرها دارد. تل‌های باقی مانده از ربیع رشیدی گرچه یادآور خاطرات تاریخی تأسف آور و دلخراش است ولی مع الوصف بسیار غرورانگیز و افتخارآفرین است. می‌دانیم تقدم زمانی از نظر آموزش عالی با دانشگاه جندی شاپور است که افتخار آن نصیب مردم خوزستان است ولی اگر اصل را بر وسعت، تعداد دانشجویان و اساتید، تعداد رشته‌ها و تعداد کتاب‌ها قرار دهیم این فضیلت مخصوص آذربایجان است ربیع رشیدی یکی از بناهای تاریخی و ارزشمند شهر تبریز است که در دامنه کوه سرخاب در محلی با صفا مشرف به کوه‌های عینعلی و باغات سرسبز باغ‌میشه حدود هفتصد سال پیش بنا شده است این دانشگاه شامل چهار دانشکده بود که در چهار طرف آن قرار داشت و به همین مناسبت به ربیع رشیدی شهرت یافته است. برابر با نوشته تاریخ‌نگاران و جهانگردان بزرگ این مجموعه دارای وسعتی بسیار و

ساختمان‌های گوناگون همچون مسجد، مدرسه، بیمارستان (دارالشفا) و کتابخانه و گنبدی برای آرامگاه خواجه رشیدالدین بوده است.

ح) عرصه آفرینش حماسه و پاسداری از هویت ملی و تمامیت ارضی ایران

۱. در عرصه حماسه آفرینی و حفظ تمامیت ارضی ایران افرادی از آذربایجان برخاسته‌اند که نظایر آنها را در جاهای دیگر کشور کمتر می‌توان یافت.

۲. یکپارچگی کشور مرهون سلسله صفویه است که از آذربایجان برخاسته‌اند. همه ما در تاریخ، شجاعت شاه اسماعیل صفوی را در جنگ چالدران خوانده‌ایم که با کمترین تعداد لشکر و با ساده‌ترین وسایل جنگی در مقابل لشکر جرار و مجهز عثمانی مقاومت کرد و با شهادت اکثر یارانش عزت و کیان میهن را در مقابل دشمن حفظ کرد. او بنیان‌گذار سلسله‌ای شد که تمامیت ارضی و رسمیت مذهب شیعه در ایران مدیون آنهاست.

۳. همه ما با تاریخ مشروطه آشنایی داریم. نقش آذربایجان در مشروطه به حدی است که کلمه مزبور متداعی نام آذربایجان است. هیچ‌کس نمی‌تواند نقش آفرینی و رشادت‌ها و از جان گذشتگی‌های مردم آذربایجان را در این نهضت آزادی خواهی فراموش کند. نمونه‌بازر آن ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی است و همچنین نطق‌های آتشین محمد خیابانی در بیداری ملت‌ها و نهضت آزادیخواهی هیچوقت از خاطره‌ها فراموش نمی‌شود. می‌توان با جرأت ادعا نمود اگر از جان گذشتگی و پایداری مردم آذربایجان نبود حکومت مشروطه در همان ابتدا در نطفه خاموش می‌شد.

۴. در انقلاب اسلامی نقش مردم آذربایجان مخصوصاً روز ۲۹ بهمن هیچ وقت از حافظه تاریخ پاک نمی‌شود.

۵. دفاع مقدس هشت ساله نقش آفرینی لشکر عاشورا و شجاعت‌های مرحوم شهید باکری و هم‌زمان او فراموش ناشدنی است.

۶. در پایان سخن اضافه می‌کنم که سکاندار کشتی کشور اکنون حضرت آیت الله خامنه‌ای است که او نیز فرزند آذربایجان است.

مطالبی که گفته شد شمه ای از نقش آذر بایجان و در نگین آن تبریز در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور عزیزمان ایران است. در ختام سخن باز آنچه را که در مطلع سخن گفتم باز تکرار میکنم " اگر بگوئیم که آذربایجانی ها در اکثر عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ، هنر و ادبیات در طول تاریخ ایران پرچمدار بوده اند سخنی بگزاف نگفته ایم.. "

باتوجه به مطالبی در حد بضاعت علمی خود و فرصت موجود بیان کردم، جا دارد به عنوان حسن ختام عرض کنم که ابیات زیر از حافظ مصداق آذربایجانیان است:

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد وانچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون بود طلب از گمشدگان لب دریا می کرد.

به امید آن که با تلاش مردم غیرتمند، آذربایجان موقعیت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را به عنوان پیشرو و تأثیرگذار در تمام شاخه های توسعه و تمدن در سرزمین ایران باز یابد.

آمین یا رب العالمین.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

دکتر حسن امین لو

اول آبانماه ۱۳۹۸